

## انقلاب اسلامی و ضرورت بازخوانی مفهوم فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله)

### مر تضي رودبار چي

### مقدمه

جامعه شیعی در دوران غیبت کبری، حوادث و وقایع گوناگونی را به خود دیده است که هر کدام داستانی مفصل دارد و می‌تواند محمل مباحث طولانی قرار بگیرد. یکی از مهم‌ترین این موضوعات ضرورت مراجعه به فقها در حوادث وقوع یافته است که در روایت مهدوی نیز به آن تذکر داده شده است.<sup>۱</sup> ضرورت مراجعه به فقها، از ضرورت ولایت و سرپرستی ناشی می‌گردد که از حقوق خداوند متعال می‌باشد و به انبیا و ائمه (سلام الله علیهم اجمعین) تفویض شده است. این مسئله چنان مهم است که انکار آن مساوی است با انکار تمام ولایت‌ها تا برسد به ولایت الله تعالی.

تاریخ پر حادثه شیعه و نیز متون فقهی آن، خود حکایت‌گر جریان ولایت و سرپرستی می‌باشد که در اختیار فقهای شیعه قرار گرفته و به زمامداران فقیه واگذار شده است. هیچ فقیه شیعی‌ای در کتاب خود منکر اصل ولایت فقیه نشده است و سرپرستی امت را در دوران غیبت کبری رهاشده نمی‌داند. همین نکته می‌تواند شاهدی باشد بر نظر

۱. محمدبن علی ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۴.





واحد جامعه شیعی چه در سطح نخبگان علمی آن و چه در سطح عوام آن، که ولایت و سرپرستی از ناحیه معصومین امری لاینقطع می‌باشد و در عصر عدم حضور ایشان نیز توسط نائب عام ایشان استمرار می‌یابد.

تاریخ فقه شیعه در سیر تکاملی خود به انقلاب اسلامی ایران و مرجع تقلید علی‌الاطلاق آن یعنی حضرت امام خمینی (ره) می‌رسد و در تحولی بنیادین به سطح و مقیاسی بالاتر ارتقا پیدا می‌کند. حضرت امام با سرمایه‌ای که از فقاہت و تاریخ شیعه به دستشان رسیده بود به این جمع‌بندی می‌رسند که فقه باید در مقیاسی نوین خود را نشان داده و حضوری جدید در حوزه اجتماعی داشته باشد تا بتواند در دنیای کنونی به انزوا و نابودی نگراید. مقیاس حکومتی فقه ادامه همان سرپرستی تاریخی ائمه معصومین می‌باشد که طبق نظر فقیه جامع‌الشرایطی مانند امام راحل جز با تأسیس حکومت و اداره آن توسط فقیه، نمی‌توانست متحقق شود.

ایشان در باب ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از زاویه فقه بسیار بحث کرده و سرمایه‌ای از دانش فقهی را در دروس خارج خویش در حوزه شریف نجف اندوختند و با ادله‌ای محکم و کامل هم از جهت عقلی و هم از جهت نقلی و هم از جهت تاریخی، حجیت حکومت اسلامی را اثبات نموده و در اقدامی انقلابی با آمادگی و همراهی مردم مسلمان ایران، ایده خود را محقق ساختند.<sup>۱</sup>

ورود کشور ایران در دوران جدیدی که با حاکمیت اسلام شناخته می‌شد، فضایی خاص از اتفاقات و حوادث را رقم می‌زد. مهم‌ترین این موضوعات، درگیری شدید و بسیار حساس فقه شیعه با مسائل جدید و چالش‌برانگیز حکومتی بود. دامنه چنین مواجهه‌ای همیشه مورد دقت نظر حضرت امام بوده و بعد از ایشان نیز مقام معظم رهبری برای مدیریت صحیح این دگرگونی عظیم، تحلیل‌ها و احترازها و در اکثر مواقع پیشنهادهایی را ارائه کرده‌اند. یکی از راهبردهای معظم‌له برای مدیریت مواجهه حوزه‌های دینی با چالش‌های حکومتی در دنیای امروز، افق‌گشایی و ترسیم موضوعات جدید است؛ که یکی از این موضوعات، تعریف فقه حکومتی و تبیین و تشریح آن و آشناسازی دنیای پژوهش‌های فقهی با این زاویه از فقاہت می‌باشد.

فقه حکومتی امروز، مسئله‌ای است که بسان اصل ولایت فقیه، مورد تأکید کسانی قرار می‌گیرد که در درون نظام اسلامی و الگوی استمرار ولایت و سرپرستی ائمه معصومین از طریق نواب عام و تشکیل حکومت اسلامی، قرار دارند و خود را بی‌نیاز از جریان ولایت

۱. سید روح‌الله خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.

مطلقه فقیه نمی‌دانند. فقه حکومتی با تعریف و تفسیری که در ادامه از آن ارایه خواهد شد، موضوع مورد توجه اغلب اندیشمندان معرفت سیاسی بوده و بسیاری را به تأمل و تفکر پیرامون آن واداشته است. آنچه در این نوشتار مورد دقت قرار گرفته است، به دست آوردن تفسیر و تحلیلی از این موضوع در دایره اندیشه‌های مقام معظم رهبری می‌باشد، چرا که ایشان مبدع این اصطلاح و مبین آن بوده‌اند و خود بهتر می‌توانند فضای مورد نظر را ترسیم کرده و ضرورت‌های ورود در آن را شناسایی کنند. از این رو در این نوشتار با تکیه بر کلمات ایشان و در برخی مواقع حضرت امام (ره) به ترسیم دنیای فقه، فقه حکومتی و ضرورت‌شناسی فقه حکومتی پرداخته خواهد شد.

برای اینکه بتوان این مقاله را اقدامی هر چند کوچک در جهت پاسخ به نیازهای فقهی موجود دانست، در انتهای نوشتار به اشاره‌ای مختصر راهکارهای مورد نظر مقام معظم رهبری در توسعه و تکامل فقه شیعه نیز ترسیم و تصویر گردیده است.

## ۱. معناشناسی فقه

نخست ضروری است که زاویه دیدی از عنوان فقه و فقه حکومتی از دو منبع اندیشه اصیل فقه حکومتی - حضرت امام خمینی، حضرت امام خامنه‌ای - و سپس در ادامه ضرورت‌های طرح مسئله فقه حکومتی نیز تحلیل و بررسی گردد. در این بخش چهار معنا از فقه در کلمات مقام معظم رهبری به دست آمد که در ادامه هر کدام با مختصری اشاره، خواهد آمد.

### ۱.۱. معنای اول فقه؛ شیوه استنباط

معنای اولی که ایشان برای فقه در نظر دارند، همان خصوصیتی است که صنف و جامعه روحانیت را از سایر صنوف و تخصص‌های علمی متمایز می‌گرداند و آن شیوه و اسلوبی است که روحانیت در استنباط از منابع دینی به کار می‌گیرد و این شیوه و روش استنباط را فقه می‌نامند.

فقاہت، یک روش و شیوه استنباط است؛ علم است؛ این علم را باید آموخت. برای همه، راه باز است که دین را یاد بگیرند و از آن استنباط کنند؛ اما استنباط از دین، یک روش علمی دارد و کار عامیانه‌ای نیست؛ هر کس از هر جا که رسید، نمی‌تواند از قرآن و سنت استنباط کند. دانش اصلی روحانیت، فقاہت است.<sup>۱</sup>

۱. سید علی خامنه‌ای، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، قم، نینوا، ۱۳۸۹، ص ۵۱۷.





باید بر مؤلفه روشمند بودن استنباط تمرکز شود تا روشن گردد که فقهت در این سطح، امری بسیار تخصصی و بالاتر از سطح دانش رساله‌ای است که احیاناً افرادی بیرون از حوزه دانش فقه از آن نیز مطلع باشند.

### ۱.۲. معنای دوم فقه؛ دریافت حقیقت دین و بیان آن برای مردم

معنای دیگری که مقام معظم رهبری با تفسیری متین از روایت امیرالمؤمنین (علی) آن را تبیین می‌کنند، این است که تفقه به مفهوم دریافت و درک حقیقت دین و شریعت و نیز تبیین آن حقیقت برای عموم مردم است. در این معنا فقیه کسی است که بتواند به دور از هواهای نفسانی و افراط و تفریط‌های شخصی هر آنچه را که دین الهی در مقام بیان آن است، استنباط نموده و در اختیار مردم بگذارد.

عن امیرالمؤمنین (ع) أنه قال: «الفقيه كل الفقيه من لم يقنط الناس من رحمه الله و لم يؤيسهم من روح الله و لم يؤمنهم من مكر الله.»<sup>۱</sup> احادیث متعددی با این مضمون هست. خلاصه حرف این احادیث این است که حقیقت را آنچنان که هست برای مردم بیان نکنند؛ نه با سخت‌گیری‌ها و تنگ‌نظری‌ها و دخالت دادن برخی کج‌فهمی‌ها مردم را مأیوس نکنند و نه با هواپرستی و تبعیت از رأی غیر متکی به مبانی، مردم را از مکر الهی ایمن نکنند و به گناهان تشویق نمایند! لب فقهت، این است؛ فهم حقیقت دین و حقیقت شریعت و بیان آن به مردم.<sup>۲</sup>

مؤلفه‌ای که در این معنا باید بدان دقت نمود، این نکته است که فقهت در افقی بالاتر از دانش‌های مرسوم قرار گرفته و مسئولیتی اجتماعی و تاریخی پیدا می‌کند. مسئولیتی که برای ایفای بهتر آن، شخص فقیه موظف به طهارت نفس و حفظ خویش در خلوات و جلوات است تا به عمق حقایق و حیانی به مقدار وسیع خویش دست یابد.

### ۱.۳. معنای سوم فقه؛ استنباط احکام فرعی از اصول در تمام ابعاد حیات بشری

معنای سومی که ایشان برای فقه در نظر دارند، معنایی است که در آن گستره فقهت را ترسیم می‌نمایند. گستره‌ای که در آن وسعت تمام زندگی خصوصی و اجتماعی و همه ابعاد جمعی حیات بشری دیده می‌شود. فقه در این معنا هر چند احکام فرعی است و از مبانی و بنیادها باید ریشه بگیرد اما گستره‌ای دارد که فرعی بودن آن ضرری به اهمیت و جایگاه والای آن وارد نمی‌سازد.

۱. محمدبن حسین شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، قم، هجرت، ص ۴۸۳.

۲. سید علی خامنه‌ای، همان.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):  
فقاہت، یک روش و شیوہ استنباط  
است؛ علم است؛ این علم را باید  
آموخت. برای همه، راه باز است کہ  
دین را یاد بگیرند و از آن استنباط  
کنند؛ اما استنباط از دین، یک روش  
علمی دارد و کار عامیانه‌ای نیست؛  
هر کس از هر جا کہ رسید، نمی تواند  
از قرآن و سنت استنباط کند. دانش  
اصلی روحانیت، فقاہت است

در حوزه‌ها، اساس، فقاہت  
است؛ فقه به معنای عام کہ  
آگاهی از دین است، در اینجا  
فعلاً مورد بحث ما نیست. فقه  
به معنای خاص یعنی آگاهی از  
علم دین و فروع دینی و استنباط  
وظایف فردی و اجتماعی انسان  
از مجموعه متون دینی کہ خیلی  
هم مهم است. انسان از قبل از  
ولادت تا بعد از ممات، احوالی

دارد و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست و نیز شامل  
احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه شئون  
اوست. تکلیف و سرنوشت همه اینها در فقه معلوم می شود. فقه به این  
معنا مورد نظر ماست کہ اسمش همان احکام فرعی است؛ استنباط  
احکام فرعی از اصول؛ این اساس حوزه‌هاست.<sup>۱</sup>

در این کلام، هر چند دو نکته درباره فقه مورد نظر بیان می شود کہ یکی شامل تعریف  
اصطلاحی فقه است و دیگری وسعت و حیطه فقه را در بر می گیرد، لیکن هر دو نکته  
می تواند مورد دقت و تأمل قرار گیرد. به این معنا کہ مقام معظم رهبری حوزه احکام  
فرعی را طوری ترسیم می نمایند کہ بسان برخی دیگر از اهل فقاہت، تفقه به دایره‌ای  
بسیار کوچک محدود نمی شود. احکام فرعی در اندیشه ایشان یعنی تمام زوایای زندگی  
یک انسان مسلمان.

#### ۱.۴. معنای چهارم فقه؛ پویایی فقه سنتی حوزه

در دوره‌ای از تاریخ اندیشه اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران، برخی روشنفکران  
متأثر از عرف غرب مدرن، به رویکردی در حوزه فقاہت رسیده بودند کہ آن را فقه پویا  
می نامیدند. مقام معظم رهبری به این عنوان اشاره نموده و فقه سنتی و روش مند حوزه  
را کہ به روش جواهری مشهور و معروف است، پویا دانسته و آن را پاسخگوی حوادث  
دوران غیبت می دانند. به زعم ایشان فقه سنتی حوزه، پویا و پیش برنده و حلال مشکلات  
جامعه شیعی خواهد بود.

۱. همان.





ما دو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم! فقه پویا همان فقه سنتی ماست. پویاست، یعنی علاج‌کننده مشکلات انسان است و پاسخگوی حوادث واقعه است و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که طبق آن اجتهاد انجام می‌گیرد و این شیوه قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده است.<sup>۱</sup>

اینکه ایشان، فقه موجود را پویا می‌شمارند، ناشی از اصراری است که بر میراث فقهی شیعه در دوران غیبت دارند و آن را نتیجه خون دل خوردن‌های سازمان مرجعیت شیعه می‌دانند که با روش جواهری یعنی روش تفریع فروع از اصول و مبانی، حرکت‌های امت اسلامی را رهبری می‌نمودند.

جناب استاد جناتی در تفسیر فقاہت پویا چنین می‌گویند:

معنای مثبت اصطلاح پویایی فقه عبارت است از ضرورت اشراف فقیه به ابعاد مختلف موضوعات مستحدثه و استنباط احکام شریعت به وسیله عناصر علمی و متقن از منابع اصیل و معتبر.<sup>۲</sup>

## ۲. معنائشناسی فقه حکومتی

فقه حکومتی، ترکیبی از فقاہت است که بعد از تشکیل حکومت اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ابتدا در قالب مباحث ولایت فقیه مطرح شد و سپس در چند سال اخیر مستقلاً تحت عنوان فقه حکومتی در میان نخبگان حوزوی و دانشگاهی مورد بحث و نظر قرار گرفت. دنیای فقه حکومتی و زوایای آن از زبان یکی از محققین حوزه فقاہت به شیوایی تمام ترسیم شده است، ایشان در این باره چنین می‌گویند:

تتبع در کتاب‌های فقهی و تأمل در اندیشه فقیهان این واقعیت را نشان می‌دهد که دو نوع نگاه به فقه شده است، یا دو گونه انتظار از فقه وجود دارد. در یک نگاه فقیه در صدد است تا وظایف افراد مسلمان را روشن کند و مشکلاتی را که در مسیر اجرای احکام پیش می‌آید مرتفع سازد و به تعبیر دیگر مکلفان را در دینداری و شریعتمداری یاری رساند. با این نگاه طرح مسئله‌ها، مثال‌ها، تقسیم‌بندی‌ها و... در راستای تحقق همان آرمان قرار می‌گیرد. در کنار این نگاه، نگاه دیگری هم هست؛ مبنی بر

۱. همان، ص ۵۱۹.

۲. ابراهیم جناتی، کیهان/اندیشه، ش ۱۸، ص ۲۰.

این که افراد به جز هویت فردیشان که موضوع برخی از احکام است، تشکیل دهنده یک هویت جمعی به نام جامعه نیز می‌باشند که این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است و فقیه می‌بایست دو نوع موضوع را بشناسد و احکام هر یک را روشن سازد آن هم نه جدا از یکدیگر؛ بلکه این دو هویت جدایی‌ناپذیرند و تفکیک این دو خود زمینه کشیده شدن به نگاه اول را فراهم می‌سازد. با این نگاه نیز مباحث، مسائل و مثل‌ها به گونه‌ای دیگر خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین دو زاویه دید در فقهات وجود دارد که هر زاویه دیدی و هر منظری، استنباط ویژه خود و احکام و فتاوی‌ای مورد نیاز خود را تأمین خواهد نمود.<sup>۲</sup> فقه حکومتی نیز منظری نوین است که با تأسیس انقلاب اسلامی و تأکیدات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر حضور جدی فقه در شیوه‌نویس اداره اسلامی کشور، به روی دنیای فقهات گشوده شده است.

فقه حکومتی، تفقهی است که ناظر بر ابعاد و زوایای حکومت اسلامی است. این تفقه در طول قرون متوالی فقهات شیعی مطرح نمی‌شد و در مظان تحلیل و بررسی قرار نمی‌گرفت. لیکن بعد از برپایی نظام اسلامی و ضرورت اجرای احکام الهی که طریق و ابزار آن ساختار حکومت اسلامی است، ایجاب می‌نمود که فقه حکومتی تعریف شده و مباحث تفصیلی آن آغاز گردد و بانی مفصل از ابواب فقهات را در بر بگیرد.

فقه حکومتی چیست و مراد و منظور از این نوع تفقه چیست؟ در این بخش با استناد به بیانات مقام معظم رهبری و نیز حضرت امام (ره) این مفهوم، روشن و واضح خواهد گشت. حضرت امام (ره) که بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و برپادارنده حرکت انقلابی مردم برای رسیدن به آرمان‌های الهی در قالب حاکمیت اسلامی است، بهتر از هر کسی می‌تواند زاویه نگاه خویش را درباره فقه و ارتباط آن با حکومت اسلامی تبیین و تشریح کند. ایشان در جایی از سخنان خود این گونه می‌فرماید:

حکومت از نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.<sup>۳</sup>

۱. مهدی مهریزی، نقد و نظر، س ۳، ش ۴، ص ۱۴۲.

۲. محمد حسن جعفری، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س ۱، ش ۳، زمستان ۱۳۹۰.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۰.





معنای دیگری که مقام معظم رهبری با تفسیری متین از روایت امیرالمؤمنین علی (ع) آن را تبیین می‌کنند، این است که تفقه به مفهوم دریافت و درک حقیقت دین و شریعت و نیز تبیین آن حقیقت برای عموم مردم است. در این معنا فقیه کسی است که بتواند به دور از هواهای نفسانی و افراط و تفریط‌های شخصی هر آنچه را که دین الهی در مقام بیان آن است، استنباط نموده و در اختیار مردم بگذارد

همان طور که مشاهده می‌شود، حضرت امام حکومت را فلسفه عملی تمام فقه می‌دانند. در نگاه ایشان فقه اگر بخواهد خود را نمایان سازد در قالب حکومت نشان می‌دهد. با این معنا حتی فقه عبادی که در نگاه برخی احکام فردی محسوب می‌شود، نیز در قالب فقه حکومتی تعریف می‌گردد. مبنای چنین نگاهی تفسیر دقیقی است که از معنای نظام

و حاکمیت می‌شود. اگر به معنا و مفهوم نظام دقت گردد و نیز در اصطلاح ولایت تأمل ورزیده شود، روشن خواهد شد که ولایت امری نیست که فقط حوزه‌ای از زندگی انسان را بپوشاند و نسبت به سایر ابعاد بی تفاوت و بی نظر باشد. بلکه ولایت امر عام و شاملی است که تمام زوایا و اجزای زندگی بشری را که از آنها به فردی و اجتماعی تعبیر می‌شود، شامل می‌شود. وقتی چنین شد فقهی که در اختیار ولی فقیه قرار می‌گیرد نیز فقهی جامع‌الابعاد است و تمام حیطه‌های حیات انسان را پوشش می‌دهد. در مبنای فکری امام، انسان زندگی‌ای جدای از سایر افراد ندارد و زندگی او تقسیم به دو بخش خصوصی و جمعی نمی‌شود، بلکه هر دو حیطه در هم آمیخته و نسبتی تأثیری و تأثیری باهم دارند. از این رو فقه ناظر بر حکومت نیز به میزان عمومیت و ولایت و حاکمیت، عمومیت پیدا کرده و شامل بر جمیع ابعاد خواهد بود.

مقام معظم رهبری، بیانی دارند که این نظر حضرت امام (ره) را تفسیر می‌کند:

امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند. این، یعنی نقطه مقابل آن آفتی که گفتیم تاجر است.<sup>۱</sup>

اداره نظام زندگی ملت‌ها، آن شمولیتی است که فقه به تبع امر ولایت و حاکمیت پیدا می‌کند. پس فقه حکومتی در این مبنا تعریفی خواهد داشت که تمام ابواب فقه را در بر گرفته و تبویب جدیدی از فقاهت را ایجاد خواهد کرد.

۱. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۷۶، ص ۶۰.



مقام معظم رهبری، در بیانات خویش اصرار بر پیاده‌سازی فقه اسلامی در بستر جامعه را دارند و تفسیری از ابعاد این فقه ارایه می‌دهند که می‌تواند تعریفی برای فقه اجتماعی اسلام یا فقه حکومتی قلمداد گردد:

ما اگر بخواهیم آنچه را باید عمل بشود در یک جمله خلاصه کنیم... ما باید فقه اسلامی را در جامعه پیاده کنیم... فقه اسلامی، مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است: فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً، اقتصادياً فقه الله‌الاکبر این است. آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند - یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی و ارتباطات خارجی - فقه است.<sup>۱</sup>

در اینجا فقه را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که از آن فقط حکومتی بودن بیرون می‌آید و به نظر می‌رسد در نگاه ایشان، فقه به دو حوزه حکومتی و غیر حکومتی یا اینکه فردی و اجتماعی تقسیم نمی‌گردد. بلکه همان‌طور که نظام اسلامی و تشکیل حکومت برای تحقق احکام الهی است، فقه نیز فقط در دایره حکومت می‌تواند جریان داشته و جلوه پیدا کند.

فرضاً اگر کسی درباره احکام فقهی در دوره حاکمیت اسلام کار می‌کند، آن احکام را دو گونه می‌تواند مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد: یک‌طور احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای این که این فرد در کجای عالم زندگی می‌کند. یک وقت هم انسان همین حکم فقهی را به عنوان بخشی کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره یک جامعه بررسی می‌کند. اینها با هم متفاوت است. حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید؛ حتی در مسئله طهارت و نجاست؛ حتی در مسائل شخصی. یک وقت به عنوان جزئی از مجموعه اداره‌کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می‌شود؛ یک وقت هم نه، مجرد از مجموعه اسلام و فقط به عنوان یک حکم که برای یک فرد مطرح است، می‌باشد.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری به روشنی زاویه ورود در فقه را از دو منظر مطالعه فردی و اجتماعی

۱. همان، ۱۳۷۰، ص ۴۶۸.

۲. همان، ۱۳۷۶، ص ۳۲.





توضیح داده و می‌فرمایند که نگاه اجتماعی به فقه در تمام استنباطات تأثیرگذار خواهد بود و حتی در مسئله طهارت و نجاست که بیشتر به عنوان امری شخصی تلقی می‌گردد، مؤثر می‌باشد. طهارت و نجاست در منظر فقه فردی، احکام و مسائلی جدای از فقه در منظر اجتماعی آن دارد و تفاوت این دو منظر نیز امری انکارناپذیر و مبرهن است. تفسیری که از فقه در مقیاس اجتماعی آن ارائه می‌کنند همان تفسیر متینی است که می‌تواند مبنای تعریف فقه حکومتی قرار بگیرد.

بنابر این فقه حکومتی، فقهی است که نه در مقام پاسخگویی به مسائل مستحدثه بلکه، در مقام ایجاد نظام اسلامی و بسط و تشریح تمام ابعاد حاکمیت اسلامی می‌باشد. فقه حکومتی فقه پاسخگو نیست و چنین فقهی همیشه در موضع انفعال از حوادث جهانی قرار دارد و نمی‌تواند در موازنه قدرت‌های بین‌المللی و صحنه نبرد حق و باطل، سهمی از مدیریت برای خود کسب کند. فقهی که حضرت امام (ره) با آن توانستند معادلات بین‌المللی را به نفع جهان اسلام مدیریت کنند، فقهی فعال و حادثه‌ساز بود. فقهی بود که برای مدیریت اسلامی جهان طرح و برنامه داشت و احکام هر موضوعی را در هویت حکومتی مشخص و روشن می‌نمود. چنین فقهی همیشه پیشرو و قائد است.

### ۳. ضرورت‌شناسی فقه حکومتی

پس از آنکه مقصود و مراد مقاله از فقه و فقه حکومتی روشن شد، نوبت آن است تا چرایی پردازش فقه حکومتی نیز تبیین گردد. در این مرحله بحث بر سر آن است که چرا باید به این موضوع پرداخت و چه ضرورتی متخصصین حوزه فقهات را مجاب می‌سازد تا در این موقف، تأمل ورزیده و روشمندان و ضابطه‌مند به ترسیم زوایای فقه حکومتی پردازند.

ضرورت‌شناسی همیشه از یک سو ناظر بر خلأها و آسیب‌شناسی‌ها می‌باشد و از سوی دیگر ناظر بر اهداف و آرمان‌هایی است که در صورت تحقق موضوع مورد نظر، قابل وصول می‌باشند. با این وصف، ضرورت‌شناسی مورد نظر در پی آن است تا بررسی کند که اگر به فقه حکومتی پرداخته نشود چه مشکلات و آسیب‌هایی برای جامعه و نظام اسلامی ایجاد خواهد شد، پس عنوان آسیب‌شناسی برای این بخش از مقاله در نظر گرفته می‌شود.

#### ۳.۱. آسیب‌شناسی فقدان فقه حکومتی

۳.۱.۱. لغویت تأسیس حکومت اسلامی؛ در بیانات و ارشادات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) در موافقی که به اثبات و تثبیت مسئله ولایت

فقیه می‌پرداختند بسیار دیده شده است که ایشان ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را اجرای احکام نورانی اسلامی می‌دانستند و فقدان حکومت را لغویت صدور احکام و آن را نیز لغویت و بی‌هدفی دین می‌دانستند که احتراز از این نتیجه، ضرورت ایجاد حاکمیت اسلامی را به خوبی روشن می‌سازد:

دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است.<sup>۱</sup>

و این نظر، تنها اختصاصی به حضرت امام نداشت بلکه قاطبه علما و فقهای شیعه بر این امر معتقد بودند که ماهیت احکام و قوانین نظام اسلامی، ماهیتی اجتماعی دارد و برای تحقق آن احکام نیاز به ساختاری است که حوزه جمعی زندگی افراد را پوشش دهد که همان حکومت می‌باشد. حضرت آیت‌الله بروجردی در این زمینه چنین می‌فرماید: هر آن کس که در قوانین اسلام و قواعد آن تتبع کند، خواهد دانست که اسلام دینی سیاسی، اجتماعی است و دستورات آن منحصر به عبادات شرعی برای تکامل افراد و سعادت آخرت نمی‌باشد، بلکه بسیاری از احکام آن مرتبط با اداره جامعه و تنظیم اجتماع است.<sup>۲</sup>

حال با این وصف که فقه اسلام و به خصوص فقه اهل بیت (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) ناظر بر جریان اجتماعی و سیاسی حیات انسان‌هاست، حرکتی انقلابی آغاز شده و بعد از طی مبارزات طولانی چند ساله به نتیجه رسیده و به برپایی حکومت اسلامی منجر می‌گردد. در این موقعیت انتظاری که از حاکمیت می‌رود اجرای احکام نورانی و سعادت‌بخش اسلام در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام است. انتظاری که برآمده از حرکت خروشان ملت ایران بوده و شعار اصلی و آرمان محوری انقلاب بود و چندان هم بی‌جان نیست که این امر تبدیل به مطالبه‌ای ملی گردد. در صورتی که حرکت انقلاب اسلامی با هدف جریان‌سازی احکام اسلامی به مرحله حکومت اسلامی دست یابد، لیکن در عمل و عینیت از نسخه‌های غربی و شرقی در اقتصاد و فرهنگ و سیاست خویش استفاده کند، این روند موجبات لغویت تأسیس حکومت اسلامی را فراهم می‌سازد. تبیین فقه حکومتی - با تعریفی که گذشت - تنها مسیری است که می‌تواند از

۱. سید روح‌الله خمینی، همان، ص ۲۸.

۲. سید حسین بروجردی، البدر الزاهر فی صلاه الجمعة والمسافر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۵۲.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی): انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات، احوالی دارد و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه شئون اوست. تکلیف و سرنوشت همه اینها در فقه معلوم می‌شود. فقه به این معنا مورد نظر ماست که اسمش همان احکام فرعی است؛ استنباط احکام فرعی از اصول؛ این اساس حوزه‌هاست

رسیدن به نتیجه‌ای دهشتناک که در آن دوران‌های مختلف انقلاب اسلامی به یأس و ناامیدی رسیده و در شعارهای اولیه دچار شک، ابهام و تردید گردند، جلوگیری نموده و ممانعت به عمل آورد. نمی‌توان نسل کنونی انقلاب اسلامی را با برنامه‌های توسعه اقتصادی غرب که در اهداف خود با آرمان‌های الهی اسلام سرستیز دارد، پرورش داد و از او انتظار وفاداری و ایثار برای اهداف نظام

جمهوری اسلامی ایران را داشت. چنانکه اقتصاد اسلامی به عنوان برنامه معیشتی تدوین و ترسیم نگردد، نسخه بدل‌های دیگری هستند که آنها جایگزین خواهند بود. در دوره‌ای نسخه سوسیالیستی اقتصاد و در دوره‌ای دیگر نسخه سرمایه‌داری آن که هر دو با مبانی حقه اسلام در تعارض جدی قرار دارند. یکی از اندیشمندان حوزه اقتصاد اسلامی در این باره چنین می‌گوید:

می‌توانیم تبلور مبنای اصالت ماده را در جزء جزء تئوری‌های غرب و شرق ملاحظه کنیم و در یک کلمه نتیجه بگیریم که هیچ یک از تئوری‌های آنها مفید به حال مسلمین نیست. مسئله بر سر انتخاب نیست که در افکار و نظرات کینز، فریدمن، ساموئلسن و یا مارکس و لنین جست‌وجو کنیم تا هر چه خوب بود برگزینیم. هر نکته‌ای که آنها گفته‌اند قاعدتاً باید در رابطه و منسجم با مبانی فکری‌شان باشد و لذا مهره نامناسبی برای تنظیم امور اقتصادی مسلمین خواهد بود. این مسئله یا جای افکار کینز و ساموئلسن و لنین است یا جای شیخ الطائفه، شیخ مرتضی، آخوند خراسانی و سایر علمای عظیم‌الشان شیعه.<sup>۱</sup>

وقتی که نمی‌توان با برنامه‌های غربی و شرقی همزیستی داشت و تأمین دنیا و آخرت نمود، روشن است که باید فقه شیعی وارد میدان شده و تمام نوآوری‌های خود را در عرصه حکومتی برای ارایه الگوهای ناب اسلامی طرح کند. مقام معظم رهبری در کلامی، ضرورت توسعه فقاقت را در حوزه اقتصاد و معیشت این گونه تشریح می‌نماید:

۱. مسعود درخشان، نظام‌های اقتصادی، قم، مؤسسه فجر ولایت، ۱۳۸۷، ص ۲۶۲.



«فقه» که کار اصلی ماست، به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده، یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف اینها را معلوم کند؛ ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد؛ لیکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کار آمد، به این قضیه نپرداخته است؛ مثل قضیه پول. اصلاً پول چیست؟ درهم و دینار که این همه در ابواب مختلف فقهی - مثل زکات و دیات و مضاربه - اسم آنها آمده، چیست؟ باید به موضوع درهم و دینار پرداخت و باید تکلیف آن روشن شود. خیلی راحت است اگر ما عملیات بانکی - غیر از مسئله پول - و ودیعه‌گذاری‌ها را تحت عنوان قرض و آن هم قرض ربوی بگذاریم و دورش را خط بکشیم! آیا جای این نیست که قدری بیشتر در عمقش فرو برویم و ببینیم که آیا واقعاً قرض است یا خیر. ما در بانک پول می‌گذاریم و به بانک قرض می‌دهیم؛ بانک از ما قرض می‌گیرد. چه کسی این را قبول دارد؟ شما در بانک ودیعه می‌گذارید؛ قرض که به او نمی‌دهید. از این قبیل مسائل زیاد است.<sup>۱</sup>

مسئله اقتصاد اسلامی، یکی از ابعاد فقه حکومتی است و در یک ارتباط منسجم میان این موضوع با سایر موضوعات حکومتی است که فقه حکومتی شکل گرفته و تدوین می‌گردد. فقه حکومتی، فقهی ناظر بر حاکمیت نیست که فقط درباره سطوح و زوایای رهبری نظام سخن بگوید، بلکه دایره‌المعارفی است که در یک شبکه منضبط و منطقی تحقیقاتی تمام موضوعات حکومتی را گردآورده و استنباطات و برداشت‌های فقهی ناظر بر آنها را تبیین می‌نماید.

یکی از اندیشمندان حوزه فقه زنان، درباره ضرورت تدوین فقه جامع‌نگر اجتماعی این گونه نظر می‌دهد:

در شرایط استقرار جمهوری اسلامی، سخن از الگوهای اجتماعی دینی، تنها به بعد فقهی یا کلامی محدود نماند، بلکه به یک الزام عملی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تبدیل گشت. هر چند در سال‌های آغازین انقلاب، کسانی که دارای نگرش‌های سنتی‌تر بودند، همچنان بر اجرای احکام فقهی در قالب وضع قوانین و مقررات شرعی و بدون توجه به زیرساخت‌ها و مناسبات اجتماعی لازم‌الصرار می‌ورزیدند، ولی به

۱. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳.



تدریج نارسایی این روش در بخش‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی خود را نشان داد. همچنین این کاستی خود را در حوزه مسائل زنان، نمایان ساخته است و روز به روز شاهد نابسامانی‌های خانوادگی و اجتماعی آن هستیم.<sup>۱</sup>

بیان فوق، ضرورت تدوین فقه جامع اجتماعی را از الزامات مدیریت دینی نظام اسلامی می‌داند و این همانی است که چند سطر پیش تر بر آن تأکید می‌شد که چنانچه تدوین چنین فقهی به تأخیر بیفتد مسلمانان در داخل ساختمان بیگانه باید سکنی گزینند و به آداب آنان زندگی کنند.

مقام معظم رهبری درباره الزامات مدیریتی و اینکه تئوری‌ها منزلت بسیار مهمی در مدیریت جامعه دارند و هر مدیری باید نظریات مورد تأیید خود را به همراه داشته باشد و اگر صحنه از نظریه‌پردازی اسلامی خالی باشد، تئوریسین‌های دیگر جای آن را خواهند گرفت چنین می‌گویند:

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیر دینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.<sup>۲</sup>

در همین بخش می‌توان موضوع بسیار مهم تحول در علوم انسانی را نیز پیش کشید و آن را یکی از چالشی‌ترین مسائل نظام اسلامی دانست. موضوعی که امر مدیریت جامعه

۱. محمد تقی سبحانی، حکومت/اسلامی، س ۱۳، ش ۱۲.

۲. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶.

اسلامی را بر عهده دارد، لیکن آبشخور و ریشه آن در فرهنگی معارض با فرهنگ نظام اسلامی است. چنین بهره‌برداری‌ای از علوم انسانی در مدیریت کشور، ناشی از فقدان و عدم حضور جدی تفقه جامع دینی در ابعاد مدیریتی جامعه می‌باشد. زهر آگین بودن علوم انسانی برای امر مدیریت، تعبیری است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشته و اصرار بر تحول در علوم انسانی از جمله اهتمامات ویژه ایشان می‌باشد که ریشه در دغدغه مدیریت سعادت‌مند نظام اسلامی دارد:

اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رایج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون.<sup>۱</sup>

تنها راه عملی مقابله با سمومات و آفات علوم انسانی غربی، ارایه الگویی بر اساس فقه جعفری می‌باشد که تکلیف مدیریت را در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روشن نماید و اجازه ندهد که از باب اضطرار پای تئوری‌های الحادی غربی به جامعه اسلامی باز شود.

۳.۱.۲. توسعه سکولاریسم پنهان در حوزه‌های علمیه؛ در فقدان تدوین فقه حکومتی و پرداختن به اجزای نظام اسلامی از منظر فقاقت، می‌توان یکی از آسیب‌ها را نفوذ و ریشه‌دوانی سکولاریسم پنهان در بنیان‌های عقیدتی و معرفتی نظام دانست. چنانچه روند بی‌تفاوتی بخشی از حوزه‌های علمیه به اندیشه تقوم سیاست و دیانت در اسلام، به صورتی بسیار آرام تدوام یابد و با سکوت و بایکوت این اندیشه از طریق مطرح نکردن موضوعات اجتماعی و حکومتی در محافل علمی استمرار پیدا کند، حتماً عقیده کهنه تضاد دین و سیاست که با تشکیل نظام اسلامی به محاق رفته بود، زنده شده و به وجهت

۱. همان، ص ۱۸۶.





در دوره‌ای از تاریخ اندیشه اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران، برخی روشنفکران متأثر از عرف غرب مدرن، به رویکردی در حوزه فقهت رسیده بودند که آن را فقه پویا می‌نامیدند. مقام معظم رهبری به این عنوان اشاره نموده و فقه سنتی و روش مند حوزه را که به روش جواهری مشهور و معروف است، پویا دانسته و آن را پاسخگوی حوادث دوران غیبت می‌داند

جایگاه دست خواهد یافت. زمانی که مدعیان اجرای احکام الهی نتوانند برنامه خود را عملیاتی کنند و در عینیت ظاهر سازند، واضح است که مخالفین تشکیل حکومت اسلامی نسبت به این نقیصه جرئت یافته و آن را دلیلی بر نارسایی اندیشه عمیق ولایت مطلقه فقیه خواهند دانست.

معضل جدایی دین از سیاست، ریشه‌ای تاریخی در ذهنیت حوزه‌های علمیه دارد و اندیشه‌ای غلط است که حضرت امام (ره)

بارها نسبت به این معضل بزرگ اشاره نموده و حساسیت خود را ابراز داشته‌اند:

مؤسسات تبلیغاتی استعماری و سوسه کرده‌اند که دین از سیاست جداست. روحانیت نباید در هیچ امر اجتماعی دخالت کند. فقها وظیفه ندارند بر سرنوشت خود و ملت اسلام نظارت کنند. متأسفانه عده‌ای باور کرده و تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و نتیجه این شده که می‌بینیم. این همان آرزویی است که استعمارگران داشته‌اند و دارند و خواهند داشت.<sup>۱</sup>

چنین اندیشه‌ای در کمین قصور یا تقصیراتی است که مدافعان اندیشه همراهی سیاست و دینت، به آنها دچار خواهند شد. عدم جدیت در تدوین فقه حکومتی سبب خواهد شد تا نسخه‌های برآمده از اقتصاد مدرن، مدیریت معیشتی جامعه را بر عهده گیرند و این امر نیز به دنبال خود بحران‌های اجتماعی حاصل از نگاه اصالت سرمایه را ایجاد خواهد نمود که شکاف طبقاتی، تجمع ثروت در نقاط معدود و محدود، افزایش فاصله فقیر و غنی و نیز انزوا و فرهنگ ایثار و فداکاری و حاکمیت اندیشه سودجویی و تغییر در سبک زندگی به سمت مدرنیته، از تبعات آن می‌باشد. بحران حاصل از سرمایه‌داری، امری است که تمام کشورهای تابع این نگاه اقتصادی را در بر خواهد گرفت و هیچ دولتی از این امر مستثنی نیست. مقام معظم رهبری در این زمینه این گونه فرمایش می‌کنند:

امروز همه دنیا شاهدند که سیستم سرمایه‌داری غرب، چقدر در مقابله با حوادث و بحران‌ها توخالی و ناتوان است. خود این سیستم بحران آفرین

۱. سید روح‌الله خمینی، همان، ص ۱۴۳.



است و وقتی بحران به وجود می‌آید، از خودش نمی‌تواند دفاع کند. این سیستم اقتصادی غرب است که همه افتخارشان به این سیستم اقتصادی بوده است؛ اقتصاد سرمایه‌داری. و سعی داشته‌اند این سیستم را به هزار شیوه و هزار زبان، به عنوان نسخه منحصر به فرد اقتصاد، به ملت‌ها تحمیل کنند.<sup>۱</sup>

موضوعی تحت عنوان «آخوند حکومتی» که بعد از انقلاب اسلامی، شیوع پیدا کرده است از مواردی است که حکایتگر اندیشه پنهان سکولاریسم است و در میان کسانی که تمایل به حضور در صحنه‌های ارزشی انقلاب را ندارند از رونق خاصی برخوردار است. این عنوان نوعی بار مثبت برای کسانی دارد که از حکومت و سیاست به دور هستند و هیچ خدمت‌رسانی نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ندارند. چنین مفهومی اگر ادامه داشته باشد و به حقانیت برسد به گونه‌ای که اغلب به این باور برسند که کسانی که از حکومت جدا هستند و دین را بدون شائبه‌های سیاسی و حکومتی در اختیار مردم می‌گذارند صداقت دارند و آنها مورد اطمینان می‌باشند، نتیجه این خواهد بود که حاکمیت از پشتیبانی قشر علمی دینی خود محروم مانده و در سرآشویی بحران حیات و ممت قرار می‌گیرد:

دیگری طرح موضوع آخوند حکومتی است؛ تقسیم آخوند به حکومتی و غیر حکومتی. هدفشان از طرح این دو مفهوم انحرافی و غلط این بود که اولاً نظام اسلامی را از پشتوانه عظیم فکری و نظری و استدلالی و علمی علمای دین محروم کنند؛ ثانیاً روحانیت مسئول راه، روحانیت انقلابی راه، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند. یعنی آخوند یک نوعش حکومتی است، که این بد است، منفی است، ضد ارزش است؛ یک نوعش غیر حکومتی است، که این مثبت است، این منزه است.<sup>۲</sup>

تعبیر «آخوند حکومتی» نشانه‌ای است از تلاشی پنهان و مودیان‌ه که در مواقف گوناگون خود را بروز داده و زهر خود را می‌ریزد. حرکتی منافقانه که در مواجهه با نظام اسلامی دائماً در صدد القای یأس از تحقق آرمان‌های نظام اسلامی و ایجاد شبهه در موفقیت‌های کنونی کشور در صحنه‌های داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

۱. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۸۸، ص ۴۸.

۲. همان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵.





مقام معظم رهبری در تبیین نسبت میان اجرای احکام الهی و سعادت‌مندی مردم مسلمان و نیز مقاومت مردم در مقابله با توفان‌های مختلف سیاسی و اقتصادی، این‌گونه فرمایش می‌کنند:

اگر ما بخواهیم سعادت این مردم را تأمین کنیم، باید در اجرای احکام الهی کوشا باشیم. سعادت دنیا و آخرت مردم در اجرای احکام الهی و اسلامی است. این آن چیزی است که می‌تواند کشور و ملت ما را به آرمان‌های والا و برجسته خود برساند. این آن چیزی است که می‌تواند این کشور را در مقابل مطامع روزافزون قدرت‌های بزرگ مصونیت بخشد. این آن چیزی است که می‌تواند این ملت را با همان ایمان و شوری که در پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی و در همه توفان‌ها نشان داد، در صحنه نگه دارد. آن عاملی که می‌تواند ملت ایران را - با فقدان بسیاری از تجهیزات که قدرت‌های بزرگ از آن برخوردارند - این‌طور محکم و باثبات نگه دارد، ایمان دینی است. باید ایمان دینی را در مردم حفظ کرد تا این مردم بتوانند مقاومت خود را حفظ کنند و بایستند و از مسئولان پشتیبانی کنند و در مقابل خطرهای سینه سپر نمایند.<sup>۱</sup>

مقاومت در برابر شبهات فرهنگی و اعتقادی که عمدتاً ناشی از تشکیک در کارآمدی نظام اسلامی است، زمانی بی‌اثر خواهد بود که نظام با اجرای احکام الهی اسلام، عدالت را در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن پیاده نموده و مدلی از حاکمیت اسلامی را به نمایش بگذارد تا در مقابل مدل‌های برساخته اندیشه بشری به ناکارآمدی متهم نگردد. اثبات کارآمدی نظام اسلامی خود، بزرگترین دلیل بر حقانیت تفکر ناب ولایت مطلقه فقیه خواهد بود که چه خوب گفته‌اند: ادل الدلیل علی امکان الشیء و وقوعه. یا اینکه «مشک آن است که خود بیوید نه آنکه عطار بگوید.»

یکی از پژوهشگران حوزه فقهت حکومتی درباره ارتباط فقه حکومتی با موفقیت‌های نظام اسلامی چنین می‌نویسد:

موفقیت فکری و اجرایی حکومت اسلامی در عرصه‌های مختلف در گرو سامان یافتن فقه حکومتی است. اگر منظومه‌ای فقهی و تشریحی که اصول و فروعش سازگار باشد و تئوری‌ها و روش‌ها و دستورالعمل‌هایش با یکدیگر همخوانی داشته باشند شکل گیرد بسیاری از بن‌بست‌ها از

میان می‌رود. فاجعه زمانی است که بگوییم: حکومت اسلامی بر پایه فقه موجود در رساله‌های عملیه خواسته مردم است.<sup>۱</sup>

۳.۱.۳. ناامیدی مسلمانان از تشکیل نظام اسلامی؛ یکی دیگر از مشکلاتی که در صورت عدم تدوین و تنظیم فقه حکومتی در گستره حقیقی آن، پیش خواهد آمد، دلسردی مسلمانانی است که دلبسته آرمان‌ها و پیروزی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. از بدو تأسیس نظام اسلامی تاکنون، نگاه همه مسلمانان و آزادی‌خواهان به این حکومت و ظفر و پیروزی‌های آن بوده و هست. قدرت‌نمایی دو جبهه الحادی شرق و غرب، فطرت‌عالمیان را به ستوه آورده بود و آنان به دنبال جبهه سومی بودند که حقیقتاً پیامی آسمانی و برنامه‌ای ملکوتی برای سعادت دنیوی و اخروی آنها داشته باشد و زمانی که ندای ایران اسلامی برای تحقق کلمه الله به آسمان برخاست، گوش فطرت‌ها تیز شده و دلدادگان امر الهی به این سمت متوجه شدند و بعد از پیروزی این حرکت انقلابی، امیدها دوباره احیا شده و آرزوها به مرز وقوع نزدیک گشت. مقام معظم رهبری درباره تأثیرگذاری اندیشه نظام دینی بر بیداری اسلامی چند سال اخیر، چنین فرمایش می‌کنند:

برادران و خواهران! دشمن که می‌گوید «انقلاب به وسیله انقلابیون صادر می‌شود»، اشتباه و غلط مضاعف می‌کند. دوبار غلط می‌کنند. اشتباه اول آنها اینجاست که نظام جمهوری اسلامی، در صدد صادر کردن هیچ چیز نیست. نظام جمهوری اسلامی دارای حقیقتی است که همان انقلاب است. این ملت، حقیقت انقلاب را به وجود آورد و نظام جمهوری اسلامی، تجسم انقلاب است. اشتباه دوم این است که تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادر کردن ندارد. مگر لازم است کسی این مفاهیم را صادر کند؟! خوب؛ یک حرف و حقیقتی است که ملت‌ها از آن بی‌خبرند. وقتی مواجه شدند و تجربه موفق جمهوری اسلامی را دیدند، قهراً درس می‌گیرند. لازم نیست به ملت‌ها گفته شود که «شما هم بیایید این‌طور عمل کنید». ملت‌ها، نظام جمهوری اسلامی، انقلاب، موفقیت‌های این ملت و عزت ایران و اسلام را می‌بینند و درس می‌گیرند. امروز بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون

۱. مهدی مهریزی، همان.





### انقلاب اسلامی است.<sup>۱</sup>

وقتی بیداری اسلامی در سطح منطقه، مرهون مقاومت‌ها و ایستادگی‌های نظام اسلامی باشد، طبیعی است که از چنین نظامی باید انتظار داشت تا نمونگی خود را برای سایر امت‌های مسلمان تحفظ نماید و سعی بر آن داشته باشد که از صدور پیام انقلاب به صدور برنامه و نرم‌افزار انقلاب منتقل گردد و مدلی از حکومت‌داری اسلامی را پیش چشم مسلمانان آزادی‌خواه بگشاید. چنانچه نظام اسلامی ایران در ارایه مدل جامع دینی کوتاهی نماید و یا اینکه نتواند آن پیام و شعار و ادعای اولیه خویش را به برنامه حکومت‌داری تبدیل نماید، زمینه‌ای خواهد بود برای شکست بیداری اسلامی در منطقه و انتقال این امر به دامن غرب که تحت عنوان دموکراسی و اقتصاد سرمایه‌داری از آن حوادث پشتیبانی‌تئوریک نمایند. اگر مدل مردم‌سالاری دینی که در تفقه جامع دینی به دست می‌آید، در اختیار امت اسلامی قرار نگیرد مدل‌های نخ‌نماشده دموکراتیک جایگزین خواهد بود.

### جمع‌بندی ضرورت‌شناسی و آسیب‌شناسی

بر اساس آنچه گذشت، می‌توان آسیب‌های وارده از ناحیه فقدان فقه حکومتی را به عرصه‌های بین‌الملل و داخلی تقسیم نموده و نیز برخی از موارد را سیاسی و برخی دیگر را فرهنگی دانست. در نهایت همه آسیب‌های مورد بحث، توان آن را دارند که حقانیت نظام اسلامی را به چالش کشیده و آن را در شعارها و ادعاهایش بازخواست نمایند و همین امر در ضرورت جدی گرفتن مسئله «فقه حکومتی» کفایت می‌کند. شاید اگر کسی از زاویه‌ای دیگر تحلیل و بررسی نماید آسیب‌ها و مشکلات دیگری را ترسیم کند، لیکن بیان آسیب‌ها هدف و غایت این نوشتار نیست، بلکه تبیین ضرورت فقه حکومتی غرضی است که برای آن این مقاله نگاشته می‌شود و این مسیر نیز لابد از تصویرسازی آسیب‌ها می‌باشد.

در ادامه این بخش به صورت مختصر به پیشنهادها و توصیه‌هایی که مقام معظم رهبری در امر توسعه و تکامل فقاقت دارند، اشاره‌ای خواهد شد تا اینکه گامی کوچک در رفع موانع و تسریع حرکت فقهی جامعه اسلامی محسوب گردد.

۱. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۷۴، ص ۴۵.

#### ۴. راه کارها و پیشنهادات در توسعه فقهت شیعه

امام خمینی (ره): حکومت از نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است

همان طور که گفته شد، برای این بخش از مقاله به نکاتی که مقام معظم رهبری برای تکامل تفقه جامع دینی پیشنهاد نموده‌اند، اشاره خواهد شد.

بیانات ایشان را می‌توان در چند سرفصل طبقه‌بندی نمود؛ بخشی که توصیه‌های نرم‌افزاری و فکری می‌باشد که در باب ضرورت توسعه فقهت و نیز ترسیم دامنه فقهت گفته شده است،<sup>۱</sup> بخشی که توصیه‌های سخت‌افزاری و ساختاری می‌باشد که راه‌های پیگیری امر تحول در فقهت را نشان می‌دهد.

در این بخش به توصیه‌های سخت‌افزاری و ساختاری بیانات مقام معظم رهبری پرداخته خواهد شد.

#### ۴.۱. تخصصی شدن علوم حوزوی و توسعه مراکز تخصصی حوزه علمیه قم

یکی از راه‌هایی که مقام رهبری برای تحول در امر فقهت پیشنهاد می‌کنند، توسعه تخصص‌ها و ایجاد ساختارها و تشکیلاتی برای ساماندهی تخصص‌های حوزوی است. یعنی باید با تأسیس مراکز تخصصی امر تخصص در رشته‌های گوناگون حوزوی و علوم دینی را مدیریت نمود و این مسئله خود می‌تواند زمینه‌ای باشد بر تمرکز ویژه در فقهت و تکامل دانش فقهت به موضوعات جدید و کثیر اجتماعی:

حوزه باید به سمت تخصصی شدن پیش برود. خوشبختانه الان کارهایی شده و اقدامات مقدماتی انجام گرفته است؛ اما باید جدیت بیشتری بشود و زمان‌بندی صورت گیرد... تاکنون دو رشته تخصصی در قم به وجود آمده، که ظاهراً یکی تفسیر است و یکی کلام؛ لیکن این مقدار که در گوشه‌ای دو رشته تخصصی با دو نفر استاد به وجود بیاید، کافی نیست. البته این به عنوان قدم اول، کار خوبی است، لیکن بایستی تخصصی شدن در حوزه جدی گرفته بشود. با این سطح وسیع و کار عظیمی که وجود دارد، حتی خود فقهت معاملات و عبادات را تخصصی کنند. درست است که اینها به کار هم می‌خورند و هر کدام ممکن است

۱. مانند نکاتی که ایشان در باب ضرورت موضوع‌شناسی عالمانه و فقیهانه دارند و نیز بیاناتی که در باب تأثیر موضوع‌شناسی قوی در فهم فقهی دارند.



تنها راه عملی مقابله با سمومات و آفات علوم انسانی غربی، ارایه الگویی بر اساس فقه جعفری می باشد که تکلیف مدیریت را در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روشن نماید و اجازه ندهد که از باب اضطرار پای تئوری های الحادی غربی به جامعه اسلامی باز شود

در دیگری اثر بگذارند، اما در عین حال هر کدامی خودش یک کار جداگانه است که می تواند یک متخصص داشته باشد. اصول و فقه و ابواب مختلف فقه و تخصص و درجات تخصص و روش های دیگر را باید در حوزه جدی گرفت.<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری حتی دایره فقاقت را نیز در تخصص به دو قسمت معاملات و عبادات تقسیم می نمایند و تا این حد بر تخصصی شدن علم فقه اهتمام دارند و این نکته نشان دهنده آن است که

تأسیس مراکز تخصصی در پیشبرد دامنه علم بسیار مؤثر می باشد.

تخصصی شدن فقاقت به دایره فقه حکومتی نیز کشیده شده و نخبگان حوزوی را بر آن خواهد داشت تا به صورت ویژه بر این امر همت ورزند و تشکیلات جدیدی را برای آن در نظر بگیرند. در استمرار موضوع تخصصی شدن، اولین ثمرات آن را راه اندازی درس های خارج قوی استدلالی می توان دانست که خود یکی از پشتوانه های تئوریک ضروری برای ایجاد ساختارهای مفید و مؤثر فقهی محسوب می شود. مقام معظم رهبری در توصیه معروف خویش در موضوع فقه حکومتی این امر را مورد عنایت قرار دادند:

البته من همین جا عرض بکنم که نیاز ما به کرسی های بحث آزاد فقهی در حوزه قم - که مهمترین حوزه هاست - برآورده نشده است. من این را الان اینجا عرض می کنم - آقایانی هم از قم اینجا تشریف دارید - این نیاز برآورده نشده. در قم باید درس های خارج استدلالی قوی ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش هایی را که بر سر راه حکومت قرار می گیرد و مسائل نو به نو را که هی برای ما دارد پیش می آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث های متین فقهی انجام بگیرد.<sup>۲</sup>

ساختار درس خارج فقه در حوزه علمیه، ساختاری ریشه دار و سنتی است که خود می تواند محمل تولید علم و پیشرفت امر فقاقت باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر این ساختار نیز از این باب است که رهیافتی جدید است به دنیای فقاقت و چاره ای نیست

۱. سید علی خامنه ای، نرم افزار ولایت، ۱۳۷۰.

۲. همان، در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰.

مگر اینکه ابتدا در درس‌های خارج فقه و اصول چنین مسئله مهمی پیگیری شود. حضرت آیت‌الله محسن اراکی که خود یکی از مدرسین درس خارج فقه حکومتی می‌باشند در این باره چنین می‌گویند:

درس فقه حکومتی در حال حاضر که حکومت اسلامی برپا شده است از ضروری‌ترین درس‌هایی است که حوزه باید مورد اهتمام قرار دهد. در گذشته که حکومت اسلامی نداشتیم پرسش‌های مربوط به فقه حکومتی وجود نداشت اما امروز با تأسیس حکومت اسلامی، پرسش‌های حکومتی از ضروری‌ترین پرسش‌های در انتظار پاسخ است.<sup>۱</sup>

#### ۴.۲. راه‌اندازی مجله وزین فقهی

یکی دیگر از راه‌کارهایی که پیش‌نهاد مقام معظم رهبری است، استفاده از ظرفیت رسانه‌ای در قالب مجلات علمی - تخصصی می‌باشد. در این قالب می‌توان نوآوری‌های فقهی را در معرض دید همگان قرار داد و بخش عمده‌ای از جامعه تخصصی فقه را از مسائل جدید و تحقیقات بدیع و حادث مطلع ساخت. ایشان در این باره چنین می‌گویند: ما یک مجله علمی فقه لازم داریم که مباحث فقهی را با زبان علمی فقه یعنی زبان عربی بیان کند. اگر کسی هم خواست فارسی بنویسد، می‌نویسد؛ اما زبان اصلی مجله باید عربی باشد. محققان یک مجله فقه تهیه کنند و در آن مقاله بنویسند؛ یکی از فضایی آبرومند هم یکی از درس‌هایش را تعطیل کند و بیاید مسئولیت این مجله را به عهده بگیرد. مگر فایده این مجله برای پیشبرد فقه اسلام، کمتر از فایده آن درس است؟ محققان، بزرگان و فضلا، موضوعات جدید فقهی را بنویسند؛ تحقیق کنند؛ نقد کنند؛ فقه را پیش ببرند و دنیا را از فقه شیعه آگاه کنند.<sup>۲</sup>

در بیان ایشان چندین نکته مهم وجود دارد که هر کدام می‌تواند موضوع بحثی مفصل باشد که یکی از این موارد، استفاده از زبان عربی برای مجله می‌باشد. این نگاه، نگاهی تخصصی به زبان علم است. زبان علم در حوزه علوم دینی زبان عربی است که در آن ساحت، علوم دینی اعم از فقه، فلسفه و کلام، رشد و نضج پیدا کرده‌اند و تأکید ایشان بر این امر خود حاکی از دقت در محوریت زبان علم می‌باشد. مجله وزین فقهی باید تمام

۱. محسن اراکی، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله اراکی، مصاحبه با نشریه خط.

۲. سید علی خامنه‌ای، نرم‌افزار ولایت، ۱۳۷۰، ص ۴۷۶.





مقاومت در برابر شبهات فرهنگی و اعتقادی که عمدتاً ناشی از تشکیک در کارآمدی نظام اسلامی است، زمانی بی اثر خواهد بود که نظام با اجرای احکام الهی اسلام، عدالت را در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن پیاده نموده و مدلی از حاکمیت اسلامی را به نمایش بگذارد تا در مقابل مدل‌های برساخته اندیشه بشری به ناکارآمدی متهم نگردد.

همگان بگشاید.

#### ۴.۳. تشکیل مجمع فقهی اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین)

از دیگر راه کارهای مشخص مقام معظم رهبری در باب توسعه فقاقت، تشکیل و راه اندازی مجمع تحقیقات فقهی است. ایشان در جمع اعضای کنگره جهانی اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) این موضوع را مطرح کرده و بر راه اندازی آن تأکید ورزیدند:

ما بعداً به یک مجمع دروس فقهی احتیاج داریم که بایستی ان شاء الله در کنار این کنفرانس ایجاد بشود. این کنفرانس باید هر چند وقت یکبار تشکیل بشود؛ اما در کنار آن، باید یک مجمع تحقیقات دروس فقهی به وجود بیاید. این کارهایی که بعضی از کشورهای دیگر می کنند، کارهایی است که اصلاً کار ماست؛ یعنی آنها ظرفیتش را ندارند. این مباحث فقهی که در دنیا مطرح است و باید حل فقهی بشود، اگر بتواند از لحاظ علمی در جایی در دنیا حل بشود، آنجا ایران است. جاهای دیگر واقعاً حل نمی شود؛ آقایان این را بدانند. از لحاظ علمی، یعنی از لحاظ فن فقاقت و توانایی قدرت استنباط از کتاب و سنت، رب النوع آن اینجا پیش ماست؛ انبارش ایران است.<sup>۱</sup>

مجمع فقهی باید محل تجمع اهل اندیشه و تفکر باشد و تمام کسانی را که در حوزه فقاقت دارای نظر و ایده می باشند را جمع نموده و در مدیریتی روشن به بارنشتن

الزامات فرآیند تفقه را رعایت کند که یکی از آنها زبان علم فقه است که زبان عربی است. در هر صورت تأسیس مجله فقهی می تواند آینه ای باشد برای انعکاس تلاش ها و پژوهش ها و شبکه ای حداقلی از تحقیقات در آن راه بیفتد که اساتید و فضلا را در فضایی مجازی و غیر مستقیم گرد هم آورده و به مباحثات و تأملات گروهی وادارد و این امر می تواند چشم اندازی از آینده ای روشن در علوم دینی مختلف بالاخص فقه پیش روی



تفکرات بدیع و دقیق فقهی را به نمایش بگذارد. مقام معظم رهبری در موقفی دیگر به تبیین بیشتر این موضوع می‌پردازد و این‌گونه فرمایش می‌کنند:

از چیزهایی است که حوزه را زنده خواهد کرد و آن نتایج، مترتب خواهد شد. باید برای فقه و کلام و علوم عقلی، مجمع‌هایی تشکیل شود و مثلاً برای فقه، مجمع بررسی مباحث تازه فقهی مرکب از هفت، هشت، ده نفر طلبه فاضل ایجاد شود و اینها مرکزی داشته باشند و جلساتی تشکیل دهند و سخنرانی‌های فقهی بگذارند تا هر کس هر خطابه و مطلب و فکر جدیدی در فلان مسئله فقهی دارد- از طهارت تا دیات، کوچک و بزرگ- به آنجا بیاورد و آنها نگاه کنند؛ اگر دیدند ارکانش درست است (نه اینکه خود حرف درست باشد) و متکی به بحث و استدلال طلبگی است و عالمانه طرح شده است، آن را در فهرست بنویسند و در نوبت بگذارند تا اینکه آن فرد، روزی بیاید و در حضور جماعتی که اعلان می‌شود خواهند آمد، سخنرانی کند و آن مسئله را آزادانه تشریح نماید و یک عده هم آنجا اشکال کنند.

کلام فوق، جزئیات یک مجمع فقهی را ترسیم می‌نماید که در آن فاضلان و اساتید حاضر گردند و عقاید و آرای فقهی خود را در آزادی مبتنی بر اخلاق و منطق تشریح کنند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

غرض از بررسی فقه حکومتی در بیانات مقام معظم رهبری، این بود که روشن گردد که نظام اسلامی در دوران حساس خویش، نسبت به طرح این موضوع بسیار نیازمند بوده و این از جمله هدایت‌های داهیهانه مقام رهبری است که جریان فکری حوزوی را به سمت این موضوع رهنمون ساختند. مدیریت ولایی نظام در رصد آرمان‌ها و اهداف عالی نظام اسلامی به این نتیجه می‌رسند که الزاماً راه دستیابی به آن اهداف، ارایه الگویی برتر از تعالیم و حیانی اسلام است. چنانچه این امر به سامان نرسد و صورت نبندد آفت‌ها و آسیب‌های جدی آن متوجه حیات کانونی نظام شده و کارآمدی شعارها و آرمان‌ها را زیر سؤال خواهد برد.

بنابراین برای به دور ماندن از آسیب‌ها و چالش‌های سنگینی که متوجه نظام اسلامی



است، حتماً و باید دو بال علمی کشور را که حوزه و دانشگاه می باشد با این موضوع درگیر نموده و در مدیریت شبکه‌ای تحقیقات آنها را به سمت تولید و تدوین نظام‌نامه فقه حکومتی و تهیه ابعاد این فقه و ترسیم فضای تفقه، سوق داده و ذخایر و منابع پرارزش فقه شیعی را در این سمت به کار گرفت.

